

## تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد واژگان زبان مخفی جوانان

معصومه پلوئی<sup>۱\*</sup>، محمدرضا احمدخانی<sup>۲</sup>، سیده‌مهدی سمائی<sup>۳</sup>

۱. کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

۳. دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶

دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

## Gender Differences in the Use of Argot Language Vocabulary among the Youth

Masumeh Poloie<sup>\*1</sup>, Mohammadreza Ahmadkhani<sup>2</sup>, Seyyed Mehdi Samaei<sup>3</sup>

1. M.A. in Linguistics, Institute of Information Science and Technology of Iran (IranDoc)

2. Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University

3. Associate Professor of Linguistics, Institute of Information Science and Technology of Iran (IranDoc)

Received: 2019/07/06

Accepted: 2019/10/15

### Abstract

This article describes the practical differences between the vocabulary of the Argot language of women and men by the approach of sociolinguistics. Argot language is one of the standard language forms that is formed among youth or criminal groups in society. The purpose of this study is to answer the question whether there is a significant difference between the observed lexical frequency and the expected occurrence between males and females. For this purpose, the vocabulary was collected through 60 face-to-face interviews of youth aged 15-35 in Tehran subway in winter 2016 and with the snowball sampling method. This research applied a descriptive and a case study method. The dependent variable in this study is the frequency of Argot vocabulary and independent variable is gender. It is assumed that females are more likely than males to express words of Argot language among interviewees; using Chi-square non-parametric test. The results showed that no significant difference between the two variables of gender and the use of Argot language vocabulary in this study, but the lexical frequency results of the two groups showed that male's tendency to express taboo, dark, position-related words and men's social roles and dependent on dominance and power less than on females.

**Keywords:** Sociolinguistics, Gender, Argot language, Taboo, Dark, Social role.

### چکیده

این مقاله با رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی به توصیف تفاوت‌های کاربردی واژگان زبان مخفی زنان و مردان پرداخته است. زبان مخفی یکی از گونه‌های زبان معیار است که در میان جوانان یا گروه‌های بزهکار جامعه شکل می‌گیرد. هدف این پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین فراوانی واژگانی مشاهده‌شده و فراوانی موردانتظار اختلاف معنی‌داری در بین زنان و مردان وجود دارد یا خیر. بدین منظور، این واژگان با ۶۰ مصاحبه حضوری از جوانان ۱۵-۳۵ ساله متروی شهر تهران در زمستان ۱۳۹۵ و با روش نمونه‌گیری گلوله برفی استخراج شد. این پژوهش کاربردی، توصیفی و با روش مطالعه موردی انجام شده است. متغیر وابسته فراوانی واژگان زبان مخفی، و متغیر مستقل جنسیت است. فرض این است که مردان بیشتر از زنان واژه‌های زبان مخفی را در بین مصاحبه‌شونده‌ها بیان می‌کنند؛ که برای آزمودن آن از روش ناپارامتریک  $\chi^2$  استفاده شد. نتایج یافته‌ها نشان داد میان دو متغیر جنسیت و استفاده واژگان زبان مخفی در جامعه آماری این پژوهش تفاوت معناداری وجود ندارد، ولی نتایج بسامد واژگانی دو گروه نشان می‌دهد که گرایش زنان در بیان دشواژه‌ها و واژه‌های تابو، تیره، مرتبط به موقعیت و نقش‌های اجتماعی مردان و وابسته به تسلط و قدرت کمتر از مردان است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌شناسی اجتماعی، زبان مخفی، جنسیت، دشواژه، تیره، نقش اجتماعی.

## مقدمه

زبان در جایگاه پدیده‌ای اجتماعی مهم‌ترین وسیله ارتباطی و یکی از نیازهای زندگی اجتماعی است. بقای زبان در گرو آمادگی آن برای برقراری روابط بین‌فردی است. هدف از برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی زبان انتقال داده و بیان افکار و احساسات است. مهم‌ترین کارکرد اجتماعی زبان تشکیل گروه‌ها و رفتارهای اجتماعی است که واقعیت‌ها و پدیده‌های جامعه را به مدد نشانه‌ها و دلالت‌های زبانی تفسیر می‌کند. بشر، به نقل از ارسطو، طبیعتاً حیوانی مدنی است، یعنی حیوانی که به هیئت اجتماعی زیست می‌کند. درحقیقت، هرچه در تاریخ به عقب برگردیم، نشانی از زندگی انفرادی بشر نمی‌بینیم. پس به‌آسانی می‌توان پی برد که از زمان تشکیل جامعه، ایجاد ارتباط با هم‌نوعان مهم‌ترین امر زندگی اجتماعی بشر بوده است و فقدان ارتباط بی‌واسطه ذهن‌ها با یکدیگر کاربرد زبان شده است (نجفی، ۱۳۷۶: ۱۱-۱۲). به‌عبارت‌دیگر، در اصطلاح زبان‌شناسی، زبان بیان معانی و ارتباط میان اذهان بشر به‌وسیله گفتن و شنیدن است (ناتل خانلری، ۱۳۶۵: ۶). زبان‌ها پدیده‌هایی یکپارچه و همگن نیستند؛ تنوع و گوناگونی‌های زبانی در همه جوامع بشری وجود دارد، ولی میزان نسبی آن در جوامع زبانی کوچک کمتر است. هر زبان دارای گونه‌های فردی، محلی و اجتماعی متفاوتی است که افراد و گروه‌های اجتماعی گوناگونی با آن تکلم می‌کنند؛ بنابراین، رفتار زبانی گویندگان یک زبان به لحاظ ویژگی‌های فردی و گروهی با یکدیگر متفاوت است. گفتار یک گوینده واحد نیز، برحسب موقعیت اجتماعی ارتباط، تنوعات و گوناگونی‌هایی دارد (مدرسی، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۶۴). تغییر مداوم زبان در واکنش به دگردیسی محیط پیرامونی و ماهیت متابولیکی آن تغییر ظرفیت‌هایی را متناسب با گوناگونی‌های اجتماعی نشان می‌دهد. مدرسی بخش قابل‌ملاحظه‌ای از این تنوع را وابسته به عوامل متفاوت جغرافیایی و اجتماعی می‌داند و معتقد است گویندگان یک زبان، برحسب اینکه به کدام منطقه جغرافیایی و کدام گروه اجتماعی (طبقه اجتماعی، جنسیت، تحصیلات، شغل، سن، نژاد و قومیت، سابقه فرهنگی و مذهبی) تعلق دارند، رفتار زبانی متفاوتی از خود نشان می‌دهند (مدرسی، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۲۴۱)؛ بنابراین، مطالعه زبان جدا از بافت اجتماعی آن توصیفی همه‌جانبه و واقع‌گرایانه نیست و هر زبانی باید در جامعه زبانی‌اش بررسی شود.

جامعه‌شناسی زبان شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که

رابطه بین زبان و جامعه را بررسی می‌کند. نخستین بار اوایل قرن بیستم فردینان دو سوسور<sup>۱</sup> به جنبه اجتماعی زبان توجه کرد، اما در دهه ۱۹۵۰ بررسی‌های جدی در این باره آغاز شد. از پیشگامان این علم پایونیرز<sup>۲</sup>، اوریل وینرچ<sup>۳</sup>، چارلز فرگوسن<sup>۴</sup> و جاشوا فیشرمن<sup>۵</sup> بودند که به پدیده‌های جالبی همچون تماس زبان‌ها و لهجه‌ها توجه کردند و ویلیام لباوی<sup>۶</sup> در دهه ۱۹۶۰ به بررسی گوناگونی زبانی پرداخت که پیامد مطالعات وی به انقلابی در چگونگی استفاده گویندگان از زبان منجر شد (تراسک<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹: ۲۸۲). حوزه جامعه‌شناسی زبان با سبک و جنبه‌های اجتماعی در ارتباط است و همچنین، جنبه‌های اجتماعی فرهنگی و شخصی هم دارد (چمبرز<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹: ۱۰). جامعه‌شناسی زبان شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که همه جنبه‌های رابطه میان جامعه‌شناسی و زبان را بررسی و مطالعه می‌کند و موضوعاتی همچون هویت زبانی گروه‌های اجتماعی، گرایش‌های اجتماعی زبان، شکل‌های معیار و غیرمعیار زبان، الگوها و نیازهای کاربرد زبان ملی، تنوع اجتماعی و سطوح زبان، پایه اجتماعی چندزبانگی و جز آن در قلمرو مطالعات آن است (کریستال<sup>۹</sup>، ۱۹۹۲: ۳۰۹). ویلیام لباوی استاد دانشگاه پنسیلوانیا نخستین گام‌های اساسی را در این زمینه برداشته است و با بهره‌گیری از روش‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی، برای نخستین بار، همبستگی میان متغیرهای زبانی و اجتماعی را به شیوه علمی و منظم نشان داده است. به نظر لباوی بررسی زبان در بافت اجتماعی آن موضوع اصلی علم زبان‌شناسی است. به بیان دیگر، مطالعه و بررسی زبان که موضوع اصلی زبان‌شناسی است؛ باید در بافت اجتماعی آن بررسی شود و به دلیل خصلت اجتماعی زبان نمی‌توان آن را بدون توجه به متغیرهای اجتماعی گوناگون بررسی کرد (مدرسی، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۴). همه مطالعات مربوط به زبان در بافت اجتماعی‌اش، یعنی زبان بدان گونه که مردم عادی در زندگی روزمره تکلم می‌کنند، زیر این عنوان قرار می‌گیرد (ترادگیل<sup>۱۰</sup>، ۱۳۷۶: ۴۳-۴۲).

1. F. D. Sussure
2. Pioneers
3. U. Weinreich
4. C. Ferguson
5. J. Fishman
6. W. Labov
7. R. L. Trask
8. J. Chambers
9. D. Crystal
10. P. Trudgill

۱۹۷۲، مطالعه در زمینه زبان و جنسیت رونق گرفت. به اعتقاد او زبان زنان مملو از ویژگی‌هایی است که زبان آن‌ها را به زبانی کم‌قدرت تبدیل کرده است (اکرت و مک‌کونل جینه، ۴، ۲۰۰۳: ۱). پژوهش‌های بعدی در قلمرو رابطه زبان و جنسیت درباره کاربرد متفاوت زبان زنان و مردان و بررسی بازتاب عوامل این ناهمسانی بود. زبان‌شناسان با بررسی زبان‌های گوناگون دریافتند که زنان به گونه‌ای متفاوت از مردان زبان را به کار می‌برند. این پژوهش‌ها نشان می‌داد که زنان معمولاً از ساختارهای کهنه‌تر، خالص‌تر و مؤدبانه‌تری نسبت به مردان استفاده می‌کنند و در تلفظ کلمات زنان بیشتر از مردان از واج‌های معیار بهره می‌گیرند و از جمله منشأ تفاوت‌های زبانی حساسیت زبانی، عواطف، سلطه، قدرت و مسئولیت‌های متفاوت اجتماعی آن‌هاست.

بنابراین، پژوهش‌هایی از این قسم با بررسی رابطه متغیر جنسیت در زبان مخفی و تحلیل الگوی گفتار و نظام و خوشه زبانی زنان و مردان مسیر تحقق برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های مناسب را برای برنامه‌ریزان اجتماعی و جامعه‌شناسان زبان هموار می‌سازد تا با توجه به جامعه جوان ایران، طوفان شبکه‌های مجازی، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و ایجاد فرصت‌های آموزشی و شغلی برابر برای آن‌ها ابعاد تفاوت جنسیتی این گویش اجتماعی را مشخص کنند؛ زیرا با وجود اینکه واژه‌ها و عبارات به کاررفته در زبان مخفی را گروه‌های خاصی از جامعه زبانی به کار می‌برند، استفاده از این واژه‌ها تنها محدود به این گروه‌ها نمی‌شود و با استعمال و رواج این واژه‌ها، معنی واژه‌های این گونه اجتماعی زبان شناخته و شفاف، و گاه وارد زبان بزرگسالان و حتی رسانه‌ها می‌شود. صورت‌های زبان مخفی یک نسل می‌تواند به واژه‌های عامیانه و سپس معیار در نسل‌های بعدی تبدیل شوند و همه افراد جامعه زبانی آن را به کار ببرند و درک کنند.

این مقاله قصد دارد از بین متغیرهای اجتماعی مذکور با یکسان در نظر گرفتن شاخص‌های سن و سطح تحصیلات آزمودنی‌ها به بررسی تأثیر متغیر جنسیت در کاربرد و استفاده از زبان مخفی بپردازد. بدین منظور، در این پژوهش به بررسی داده‌های واژگان زبان مخفی ۲۵ نفر از زنان و ۳۵ نفر از مردان ۱۵-۳۵ ساله در متروی شهر تهران در زمستان سال ۱۳۹۵ به روش مصاحبه حضوری پرداختیم و کوشیدیم به

بنابراین، هر گروه اجتماعی، اعم از گروه شغلی یا نوع دیگر، اصطلاحات و نحوه بیان و گاهی شوخی‌های خاص خود را دارد که برای نفوذ و رخنه کردن در آن گروه باید آن گونه زبانی خاص را یاد گرفت (باطنی، ۱۳۷۴: ۳۴). به عبارت دیگر، گویشوران بر اساس عوامل اجتماعی گونه‌های گوناگون زبان را انتخاب می‌کنند تا نیازهای ارتباطی خود را متناسب با بافت اجتماعی مختلف برآورده سازند. می‌توان استدلال را فراتر از این برد و مدعی شد میزان تفاوت گونه‌های اجتماعی زبان با زبان رایج به میزان خصوصیت گروهی بستگی دارد که از این گونه اجتماعی زبان استفاده می‌کند. هرچه این گروه‌ها متفاوت‌تر باشند از صورت‌های زبانی متفاوت‌تری استفاده می‌کنند. بدین معنی که زبان ارزش‌ها و جهت‌گیری‌ها و تغییرات اجتماعی را منعکس می‌کند. زبان فارسی معیار در جامعه معاصر ایران نیز از این تغییرات اجتماعی مصون نبوده و تحت تأثیر عواملی همچون موقعیت اجتماعی، محل سکونت، جنسیت، تحصیلات، شغل، سن، نژاد، قومیت، سابقه فرهنگی و مذهبی قرار دارد که باعث ایجاد تغییراتی عمدتاً در کلمات و اصطلاحات خود است. این گونه‌های زبانی کم‌کم، نظامی واژگانی و در واقع، گونه زبانی خاصی را در زبان فارسی ایجاد کرده‌اند. یکی از این گونه‌های اجتماعی زبان مخفی است.

سمائی زبان مخفی را معادل لفظ فرانسوی آرگو<sup>۱</sup> ساخته است و آن را مجموعه کلمات و عباراتی می‌داند که گروه‌های خاص برای مخفی نگاه داشتن اسرار درون گروهی‌شان در برابر افراد دیگر به کار می‌برند (سمائی، ۱۳۸۲: ۶). زبان مخفی صورتی جدا از زبان نیست. بلکه یکی از صورت‌های متنوع آن است. این زبان نمایانگر جامعه‌ای ناهمگن است که هریک از گروه‌ها تأثیری در زبان عمومی گذاشته‌اند (کالوه، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۷).

مسائل رفتار زبانی و تحمیل قدرت جنسیت بر ساخت زبان در جوامع زبانی گوناگون مفهومی در خورتوجه در حوزه‌های کاربردشناسی<sup>۲</sup> و جامعه‌شناسی زبان است و توجه بسیاری از جامعه‌شناسان زبان را به خود جلب کرده است. نخستین مطالعات زبان و جنسیت به دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. پیش از این، رابطه این دو چندان مورد توجه نبود تا اینکه با انتشار مقاله لیکاف با عنوان «زبان و جایگاه زن»<sup>۳</sup> در سال

1. argot  
2. Pragmatics  
3. Language Women's Place

پرسش‌های زیر پاسخ دهیم

۱. کدام جنسیت بیشتر از زبان مخفی استفاده کرده‌اند؟
۲. کدام واژه/ واژه‌ها در هر جنسیت بیشترین بسامد واژگانی را داشته است؟
۳. کدام واژه/ واژه‌ها در هر جنسیت کمترین بسامد واژگانی را داشته است؟

### پیشینه پژوهش

زبان ارتباط نزدیکی با ساخت اجتماعی و نظام ارزش‌های جامعه دارد. محیط اجتماعی در زبان بازتاب می‌یابد و اغلب در ساختار کلمات تأثیر می‌گذارد. انعکاس جامعه در زبان باعث می‌شود تا هرگونه تحول اجتماعی تحول مشابهی را در زبان ایجاد کند. علاوه بر محیط و ساخت اجتماعی، نظام ارزش‌های جامعه نیز روی زبان آن جامعه تأثیر می‌گذارد (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۲۵-۳۸). امروزه شاید بارها در صحبت‌ها و تعاملات اجتماعی جوانان و نوجوانان، کلمات و اصطلاح‌های جدیدی را می‌شنویم که شاید معنی آن‌ها را با توجه به معنی اصلی‌شان یا ساخت واژه نفهمیم؛ مفاهیمی که فقط در همان گروه یا محیط درک می‌شوند و شاید در هیچ فرهنگ‌لغتی پیدا نشوند. آن‌ها زبان را به‌گونه‌ای تغییر داده‌اند که برای همه فهم‌پذیر نیست (امینیان، ۱۳۸۴: ۵-۱۱). زبان مخفی یکی از گونه‌های زبانی است که در میان جوانان یا گروه‌های بزهکار جامعه به کار برده می‌شود. زبان عامیانه، زبان مخفی یا رموز درون‌گروهی تعدادی کلمات و اصطلاحات‌اند که به‌وسیله عملگرهای اجتماعی و میان‌فردی زبان ایجاد می‌شوند. کاربران این کلمات و اصطلاحات آگاهانه از دانش مشترک قراردادهای اجتماعی پیروی می‌کنند. این واژه‌ها معمولاً با کلمات و اصطلاحات زبان معیار جایگزین می‌شوند. سمائی معتقد است نخستین اسناد زبان مخفی مربوط به زبان فرانسوی در قرن چهاردهم است. این مدارک مربوط به سارقان و راهزنان بوده است؛ جماعتی که خلاف قانون رفتار می‌کردند و برای پوشاندن اسرارشان نیاز به ابزاری برای ارتباط داشتند (سمائی، ۱۳۸۲: ۵-۶). اطلاعات اولیه زبان مخفی از جلسات محاکمه و خاطرات زندانیان سابق به دست آمده است تا اینکه فرانسیسک میشل در ۱۸۵۶ با انتشار کتابی با عنوان *مطالعات متن‌شناختی درباره زبان مخفی و گویش‌های مشابه در اروپا و آسیا*<sup>۱</sup> روند این جریان را تغییر

داد. میشل هرگز در محافل تبهکاران حضور نداشت و تنها بر روی مدارک مکتوب تا آن زمان تحقیق کرد. مدتی بعد از انتشار این کتاب، زبان مخفی به مبحثی برای مطالعه تبدیل شد و آلفرد دل‌وو<sup>۲</sup>، با چاپ فرهنگ *زبان سبز*<sup>۳</sup> در ۱۸۶۶، در این زمینه پیشرو شد (کالوه، ۱۳۷۸: ۲۱-۳۸). لویی ژان کالوه در اثرش با عنوان *زبان مخفی چیست؟* معتقد است در زبان فرانسوی واژه‌های Jargon به معنای لوتر یا زبان خاص و Jobelin نخستین واژه‌هایی هستند که در قرن پانزدهم برای تعریف آرگو به کار رفته‌اند. زبان آرگو که زبان سبز نامیده می‌شود از ۱۸۵۲ رایج شده است. این اصطلاح دو بار معنایی متفاوت دارد. نخستین بار معنایی فرش سبز قماربازی و بار معنایی دیگر به زمختی و ناهنجاری اشاره دارد. در زبان انگلیسی Sling مشتق از فعل slang to به معنی «کل انداختن» است. ولی اصطلاح to sling the slang به معنی تکلم به زبان مخفی است. همچنین، در این زبان فعل to sling به معنی بدویبراه گفتن و گوشمالی دادن است (۱۳۷۸: ۱۱-۹).

گیرو<sup>۴</sup> (۱۹۷۶)، به نقل از کیقبادی امیری، (۱۳۸۴: ۳۲) دلیل ساخت زبان مخفی را فعالیتی نادرست و پنهانی می‌داند. به‌عبارتی، این واژه‌ها نقش جداکننده دارد و به فردی که آن را به کار می‌برد هویتی متمایز می‌بخشد. رضایتی کیشه‌خاله و ایران‌نژاد نجف‌آبادی مخالفت با روال عادی جامعه، اعلام اعتراض، پنهان‌کاری، قانون‌شکنی، طنز و هنجارگریزی را از جمله عوامل در ایجاد این زبان می‌دانند (۱۳۹۵: ۹۸۲-۹۹۰). عباسی و صیادی فراتر از نقش ارتباطی زبان، تداعی معانی ویژه، بار عاطفی و اخلاقی، بروز واکنش‌ها و تحریک احساسات، ایجاد صمیمیت را از اهداف عمده زبان مخفی می‌دانند (۱۳۹۴: ۳۴-۹۵). به اعتقاد سمائی و امینیان دلیل اصلی کاربرد این گونه اجتماعی پنهان‌نگاه‌داشتن افکار درون‌گروهی و اعتراض به تبعیض‌های اجتماعی است دلیلی که امروزه نیز باعث ساخته‌شدن این زبان است (سمائی، ۱۳۸۲: امینیان ۲۰۰۵).

زبان مخفی معاصر را دو گروه ابداع می‌کنند و به کار می‌برند. نخست، قانون‌گریزان، زیرا نیاز به زبانی دارند که حافظ افکار و مقاصدشان باشد و نامحرمان نتوانند راه به دنیای آن‌ها بیابند. دومین گروه کسانی هستند که خلاف

2. A. Delvau  
3. Dictionnaire de la langue verte  
4. P. Guiraud

1. *Études de philologie comparée sur l'argot et sur les idioms analogues parlés en Europe et en Asia*

ساخته می‌شود. از طرفی، زبان مخفی حوزه‌های معنایی گوناگونی متعلق دارد. بخشی از این واژه‌ها به سبب کثرت استعمال وارد زبان مردم و جزئی از زبان معیار می‌شود و این یکی از راه‌های افزایش واژه‌های هر زبان است. او معتقد است چنانچه بخواهیم گونه‌های اجتماعی زبان را با هم مقایسه کنیم و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را با هم بسنجیم بیشترین شباهت را زبان عامیانه با زبان مخفی دارد. زبان عامیانه راهی برای رسیدن به زبان مخفی است؛ زیرا زبان مخفی در بافت زبان عامیانه به کار می‌رود. به عبارت دیگر، واژه‌های زبان مخفی با واژه‌ها و اصطلاحات زبان عامیانه آمیخته می‌شود (سمائی، ۱۳۸۲: ۶-۱۱).

جنسیت مؤلفه بعدی است که در این پژوهش به‌عنوان متغیر مستقل مشاهده و اندازه‌گیری شده است تا تأثیر آن بر متغیر وابسته زبان مخفی معلوم و مشخص شود.

یکی از موضوعات مهم در زبان‌شناسی اجتماعی ارتباط بین ساختارها، واژه‌ها و روش‌های استفاده از زبان‌های خاص و نقش‌های اجتماعی گویندگان آن زبان‌هاست. به عبارت دیگر، پاسخ به این پرسش که آیا زنان و مردانی که به یک زبان خاص صحبت می‌کنند در کاربرد و استفاده عناصر زبانی رفتاری متفاوت دارند. این مسئله در دهه‌های اخیر قرن بیستم، یکی از حوزه‌های رشد پژوهش‌های زبان‌شناسی اجتماعی بوده ولی کاملاً رفع نشده است. جنسیت یکی از مهم‌ترین اصول سازمان‌دهی زندگی فردی است، با این حال، درک ارتباط جنسیت زبانی میان زنان و مردان یکی از مطالعات جالب و انگیزه‌بخش بسیاری از محققان در حوزه جامعه‌شناسی زبان است که با وجود نظریه‌های زیاد و تحقیقات تجربی هنوز تصویر منسجمی از این تفاوت جنسیتی در زبان ترسیم نشده است. جنسیت یکی از عوامل اجتماعی است که تنوعاتی را در حوزه‌های گوناگون آوایی، نحوی، معنایی و واژگانی زبان ایجاد می‌کند. زبان و جنسیت یکی از موضوعات زبان‌شناسی اجتماعی یا جامعه‌شناسی زبان است که الگوهای جنسیتی متجلی در زبان را بررسی می‌کند (داوری اردکانی و عیار، ۱۳۸۷: ۴۳).

در مباحث جامعه‌شناسی زبان، تأکید بر جنسیت و نه جنس است؛ زیرا جنسیت مقوله‌ای فرهنگی اجتماعی است، در حالی که جنس جنبه زیست‌شناسی دارد. تمایزهای جنسیتی بیشتر با نقش‌های اجتماعی زنان و مردان مرتبط است (مدرسی، ۱۳۹۰: ۱۹۹). به مجموعه صفات و رفتارهایی که به زنان و مردان نسبت داده می‌شود صفات و رفتار جنسیتی

هنجارهای جامعه رفتار می‌کنند؛ هنجارهایی که رعایت‌نکردنشان باعث شماتت و انگشت‌نمایشدن آن‌ها می‌شود. این گروه کسانی هستند که گمان می‌کنند جامعه تبعیضی به آن‌ها روا داشته یا به آن‌ها بی‌اعتنا بوده است. این گروه به‌جز مخفی کردن اسرارشان هدفی دیگر هم دارند و آن ساختن زبانی است که استفاده از آن نشانه تعلق به گروهی خاص است. زبانی پرمزوراز که دیگران نتوانند به عالم اسرارآمیزشان وارد شوند.

سمائی زبان مخفی را شکلی از زبان معیار یا، به عبارتی، یکی از گونه‌های هر زبان معیار و نه زبانی مستقل دانسته است. زبان مخفی، عمدتاً، در حوزه کلمات و تاحدی اصطلاحات و عبارات فعلی ابداع و زاییده هر زبان است. مخفی‌بودن این زبان مدرج است و می‌توان آن را تابع طیف دانست. در یک‌سوی این طیف واژه‌های کاملاً ناشناخته و تیره که هیچ نشانه‌ای برای پی‌بردن به معنی آن‌ها وجود ندارد و در سوی دیگر واژه‌های شفاف‌تر قرار دارند. دلیل عمده مدرج‌بودن میزان تیرگی و شفافیت واژه‌ها دو چیز است. یکی بستگی به شیوه ابداع واژه دارد. در این زبان از شیوه‌های خاصی برای واژه‌سازی استفاده می‌شود که برخی از آن‌ها جهانی‌اند. از دلایل دیگر مخفی‌بودن روش واژه‌سازی است. معنی واژه‌های تیره را از روی ساختمان صوری آن‌ها نمی‌توان حدس زد. دلیل دوم رواج واژه‌ها است. واژه‌هایی که در آغاز تیره‌اند با رایج‌شدنشان از میزان تیرگی‌شان کاسته می‌شود. شفاف‌شدن تقریبی واژه‌ها سبب جایگزینی آن با واژه دیگری می‌شود.

ویژگی دیگر زبان‌های مخفی داشتن مترادف‌های فراوان است. یکی از دلایل فراوانی مترادف‌ها برای زبان مخفی ساخته‌شدن این زبان در مناطق گوناگون شهر است. به عبارت دیگر، الفاظ و اصطلاحات این زبان را محافل مستقل در مناطق گوناگون شهر می‌سازند و سپس، این الفاظ و اصطلاحات در دیگر محافل یا در همه شهر رایج می‌شود. دلیل دوم وجود مترادف‌ها، بازی‌های صوری یا قیاسی با کلمات است. در شیوه صوری واژه جدیدی را از روی شباهت با واژه موجود می‌سازند؛ در حالی که واژه‌سازی قیاسی حاصل نوعی تداعی است. سومین دلیل ساختن مترادف‌ها شفاف‌شدن نسبی معنی واژه‌های تیره است. معنی واژه تیره، به‌خصوص با کاربرد فراوان آن، به تدریج بر نامحرم‌ان آشکار می‌شود. آشکارشدن معنی با ماهیت این زبان مغایرت دارد، از این رو، به سرعت واژه جدیدی برای جایگزینی با واژه قبلی

گفته می‌شود؛ تفاوت‌های جنسیتی ریشه در فرهنگ جامعه دارد و ساخته و پرداخته آن است (نجم عراقی و دیگران، ۱۳۷۶: ۲۰۸). جنسیت قواعد و اصولی است که از طرف جامعه براساس وظایف، مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی نهادینه شده، و عوامل سازنده آن مذهب، سن، آداب و رسوم، فرهنگ و غیره است. شیوه عملکرد و طرز تفکر، سلوک و رفتار و ارزش‌های اجتماعی زنان و مردان است که توسط جامعه تعیین می‌شود. جنسیت هویتی اکتسابی است و در قلمرو موضوعات اجتماعی بررسی می‌شود. ورداف بین جنس زیست‌شناختی که معرف جنبه‌های آناتومی و ژنتیکی است و جنسیت که به شیوه‌های گوناگون اجتماعی شدن زنان و مردان مرتبط است تمایز قائل بوده و جنسیت فرهنگی اجتماعی را مقوله‌ای فرهنگی و بافت‌محور تلقی کرده است و هرگونه اظهارنظر قاطعانه در مقایسه زبانی دو جنس را بدون توجه به بافت مردود می‌داند (ورداف، ۲۰۰۶: ۳۱۵-۳۱۶). با این حال، او قائل به دو نظام جنسیتی طبیعی و دستوری در زبان‌هاست و به تفاوت‌های آوایی، زبرنجیری، واژگانی، دستوری، معنایی و گفتمانی اشاره می‌کند و برای توجیه تفاوت‌های زبانی بین دو جنس به سه رویکرد برتر توجه دارد. این رویکردها شامل تفاوت‌های زیست‌شناختی زنان و مردان، تسلط مردان بر زنان و تفاوت‌های اجتماعی زنان و مردان است (همان: ۳۲۶). ووداک<sup>۲</sup> معتقد است ویژگی‌های جنسیت از نسلی به نسل دیگر تغییر می‌یابد و همانند گوناگونی‌های گروه‌های مذهبی، قومی و نژادی در میان اعضای جامعه متفاوت است (ووداک، ۱۹۷۷: ۵۶). وپرینگ<sup>۳</sup> در بحث رابطه زبان و جنسیت معتقد است همان‌گونه که رنگ لباس، مدل مو، سبک آرایش و غیره نمایانگر جنسیت است شاید زنان و مردان با استفاده از سبک خاص گفتاری سعی در اثبات جنسیت متفاوتشان دارند (وینزینگ، ۲۰۰۱: ۸۰).

گودوین<sup>۴</sup> (۱۹۷۶)، به نقل از کوه<sup>۵</sup> (۱۹۸۶: ۱۰۷) معتقد است زنان با استفاده از زبان مخفی رفتار خاصی را در پیش می‌گیرند نه به این دلیل که بخواهند در یک گروه سنی خود را بهتر و پرقدتر از آنچه هستند نشان دهند؛ بلکه برای آنکه می‌خواهند از دید منفی عمومی در امان باشند.

ایسیکوویتز<sup>۶</sup> با بررسی گفتار نوجوانان سیدنی اظهار داشته که بسیاری از مشخصه‌های غیرمعیار گفتار عامیانه برای نوجوانان دختر و پسر اعتبار دارد، ولی با افزایش سن، دختران به سمت تعدیل گفتار و همسویی با هنجارهای زبانی معیار پیش می‌روند (۱۹۸۷). به نقل از شاه‌ناصری، ۱۳۹۴: ۵-۱۱). لیکاف معتقد است زنان بیشتر از کلمات رنگی مانند بژ، آکوامارین، اسطوخودوس و قرمز و همچنین صفت‌هایی نظیر شایان ستایش، جذاب، الهی، دوست‌داشتنی و شیرین استفاده می‌کنند. درحالی‌که مردان این واژه‌ها را به‌ندرت به کار می‌برند (ورداف، ۲۰۰۶: ۳۲۶). یسپرسن<sup>۷</sup> با تحلیل تفاوت گفتاری زنان و مردان پیدایش این تفاوت گفتاری میان دو جنسیت را در کاربرد دشواژه دانسته به‌طوری‌که در برخی زبان‌ها تفاوت‌های انکارناپذیری در کاربرد زبان میان زنان و مردان وجود دارد؛ برای نمونه، در زبان زولو<sup>۸</sup> زنان اجازه ندارند نام پدرشهر یا برادرشهر خود را به زبان بیابورند و حتی اگر واژه مشابه در این زبان وجود دارد آن‌ها مجبورند تا لغت دیگری را با معنای مشابه جایگزین کنند (۱۹۹۲: ۲۳۴-۲۵۷). ترادگیل در نقل از گزارشی عقیده دارد که مردان اصطلاحات زیادی مخصوص خود دارند که زنان آن‌ها را درک می‌کنند ولی به کار نمی‌برند؛ بنابراین، آن‌ها سبک‌های متفاوتی را در گفت‌وگو دارند (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۷۹). نوشین‌فر (۱۳۷۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *زبان، جنسیت و جامعه* به بررسی نقش جنسیت بر زبان گفتاری فارسی در جامعه پرداخته است. او در بررسی ۴۰۰ واژه منتخب از فرهنگ واژگان زبان فارسی ملاحظه کرده است که در زبان فارسی، با وجود نبود نشان مذکر و مؤنث، برخی از واژه‌ها به یکی از دو جنس دلالت می‌کند. برای نمونه، صفت‌هایی نظیر رفیق‌باز، غیور، متعصب، بی‌غیرت، برومند، جوان و مجرد بر مذکر دلالت دارد، مگر اینکه به‌صورت خاص بر جنس دیگر تأکید شود. برای نمونه زن جوان و دختر مجرد با مؤلفه مؤنث نشان‌دار شده است. نوشین‌فر در بخش دیگری از پژوهش خود متذکر شده است که بسیاری از واژه‌ها و اصطلاح‌های معنایی را تنها یک جنس بیان می‌کنند و جنسیت دیگر از کاربرد آن خودداری می‌کند. برای نمونه، مردان فارسی‌زبان «نازی» و «خدا مرگم بده» را مختص

1. R. Wardhaugh
2. R. Wodack
3. L. T. Wareing
4. M. Goodwin
5. J. Coate

6. E. Eisikovits
7. O. Jespersen
8. zulu

دارد. شیخی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، با عنوان *تفاوت‌های گونه‌عامیانه میان جنس مذکر و مؤنث در فارسی تهرانی* به این نتیجه رسیده است که علاوه بر وجود همبستگی میان دو متغیر جنسیت و متغیرهای زبانی، تفاوت‌های گونه‌عامیانه میان جنس مذکر و مؤنث فارسی‌زبان تهرانی رو به کاهش است. به این مفهوم که با گذشت زمان و آمدن نسل‌های جدیدتر، دخترها و پسرها از اصطلاحات عامیانه مشترکی برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند و مرزهای جنسیت‌مدار که میان زنان و مردان نسل‌های گذشته وجود داشت میان جوانان کمتر به چشم می‌خورد.

شاه‌ناصری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی زبان گونه‌مخفی جوانان در روابط گروهی بر اساس رویکرد همسان‌سازی» معتقد است روابط درون‌گروهی در جوانان دختر جامعه نمونه و میان‌گروهی (دختران و پسران) تفاوت معناداری در بسامد کاربرد زبان مخفی نشان نمی‌دهد و باینکه پسران جوان همچنان در تولید واژه‌ها و عبارات واژگانی این گونه‌زبانی پیش‌تاز هستند؛ ولی بخشی از زبان مخفی جوانان امروز پیرنگ دخترانه دارد که نمود زبانی بیشتر آن در مناسبات کلامی بین گروهی دیده می‌شود. از این‌رو، به نظر می‌رسد متغیر سن نقشی مهم‌تر در مقایسه با متغیر جنسیت در نمود زبان مخفی گروه دختران در روابط درون‌گروهی و بین‌گروهی جامعه امروز نشان می‌دهد. رضایتی کیشه‌خاله و ایران‌نژاد نجف‌آبادی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی زبان مخفی»، با هدف بررسی برخی از عمده‌ترین مسائل جامعه‌شناسی زبان مخفی، زبان مخفی را یک پدیده اجتماعی می‌دانند که در کنار و همراه با زبان روزمره جامعه، به‌عنوان طفیلی وابسته، به حیات ادامه می‌دهد. همچنین، به اعتقاد آن‌ها این زبان در بین افراد گروه‌های اجتماعی به تدریج شکل می‌گیرد و جنسیت، میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی مستقیماً در پیدایش و واژگان این زبان مؤثرند. اعتضادی و علمدار (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی زبان مخفی در بین دختران» برخی شرایط ارتباط کلامی را در جامعه که تحت‌تأثیر ناهنجاری‌های اجتماعی ایجاد می‌شود، علت ایجاد مقوله جدیدی به نام زبان مخفی قلمداد می‌کنند و ادعا می‌کنند بررسی این لغات حوزه‌های معنایی تابو و مقدس کاربران را مشخص می‌سازد و استفاده جوانان از این واژه‌ها و نفوذ آن به‌عنوان خرده‌فرهنگ جوانان ارتباط کلامی خاصی را در بین

زنان می‌داند و از کاربرد آن‌ها اجتناب می‌کنند و زنان نیز عبارتهایی نظیر «چاکرم» یا «مخلصم» را مردانه می‌انگارند و از به‌کاربردن آن‌ها می‌پرهیزند. او تفاوت‌های جنسیتی را در زبان فارسی غالباً ناخودآگاه دانسته و اکثر تفاوت‌های ملاحظه‌شده را فرازبانی، کوچک و جزئی می‌داند؛ به‌طوری‌که جامعه‌زبانی اصلاً از آن آگاهی ندارند و زنان بیشتر ترجیح می‌دهند تا صورت‌های نزدیک‌تر به گونه معیار را به کار برند. فارس‌یان (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *جنسیت و واژه‌ها تأثیر عامل جنسیت را در واژه‌های زبان فارسی بررسی کرده است* و دلیل جنسیت‌گرا شمردن واژه‌هایی نظیر عروسی، دامادی و نازی را گویشوران زبان فارسی می‌داند. او عقیده دارد تمایز بین زبان زنان و مردان ریشه در فرهنگ ایرانی دارد و بازتاب این واقعیت است که زنان و مردان علاقه، نقش، واکنش و واژه‌های متفاوتی دارند. پاک‌نهاد جبروتی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «زن در زبان فارسی» با هدف نقش واژگان در فرادست‌انگاری مردان و در مقابل فرودست‌انگاری زنان بر نظریه‌سایبر-وورف تأکید کرده است. او در این مقاله نشان داده است زبان فارسی در اکثر موارد زن‌ستیز است و به سرکوب زنان صریحاً یا ضمناً پرداخته است و در مقابل، به دلیل مردمحوربودنش، به مردان جایگاهی برتر در جامعه داده است. جبروتی در توجیه تفاوت‌های جنسیتی گرایش بیشتری به فرضیه تسلط مردان بر زنان و نابرابری‌های دو جنس دارد و شیوه‌های متفاوت اجتماعی‌شدن دختران و پسران را در شکل‌گیری این نابرابری‌ها مؤثر می‌داند. شکبیا (۱۳۸۲) در پایان کارشناسی ارشد خود، با عنوان *تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها توسط زنان و مردان تهرانی* و با هدف مطالعه تفاوت‌ها در رفتار زبانی زنان و مردان فارسی‌زبان تهرانی به بررسی میزان کاربرد دشواژه، نوع مخاطب در به‌کارگیری دشواژه‌ها و دلایل کاربرد یا عدم کاربرد آن‌ها پرداخته است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل جنسیت و متغیر وابسته زبانی دشواژه‌ها همبستگی وجود دارد. پورجهان (۱۳۷۸) در پایان کارشناسی ارشد خود با عنوان *گونه‌عامیانه زبان فارسی و تفاوت‌های کلامی زنان و مردان* و با هدف مطالعه تفاوت‌ها در رفتار زبانی زنان و مردان فارسی‌زبان تهرانی از نظر کاربرد گونه‌عامیانه به این نتیجه رسیده است که میان متغیر مستقل جنسیت و متغیر وابسته زبانی اصطلاحات عامیانه همبستگی وجود

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و توصیفی، و به روش مطالعه موردی است. نمونه انتخابی به روش نمونه‌گیری تصادفی گلوله برفی<sup>۳</sup> برگزیده شده است. جنسیت متغیر مستقل و زبان مخفی متغیر وابسته این پژوهش است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش میدانی است. باتوجه به نوع تحقیق و روش کار، ابزار جمع‌آوری داده فرم مصاحبه محقق ساخته بر مبنای معانی سیاهه هر واژه در کتاب فرهنگ لغات زبان مخفی (با مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی زبان) است. این پرسشنامه علاوه بر ۱۲۰ سؤال باز درباره واژگان زبان مخفی حاوی ۳ سؤال درباره اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان است. سؤال‌های پرسشنامه نحوه به‌کارگیری و شمّ زبانی مصاحبه‌شوندگان در کاربرد الفاظ زبان مخفی را بررسی می‌کند. برای نمونه، از مصاحبه‌شوندگان سؤال شد که آن‌ها در جمع گروهی‌شان چه واژه‌ای را برای مفهوم خبرچین به کار می‌برند. جامعه آماری این پژوهش ۶۰ نفر از جوانان ۱۵-۳۵ ساله (۳۵ مرد و ۲۵ زن) در متروی شهر تهران در زمستان ۱۳۹۵ بودند. با بررسی کلیه پرسشنامه‌های مصاحبه ۳۷۹۰۰ واژه استخراج شد که پس از بررسی کلیه پرسشنامه‌ها و حذف واژه‌های تکراری ۹۸۳ واژه به دست آمد. تمامی این واژه‌ها در چهارده حوزه ابزار و اشیاء، اتومبیل، احوال، اخلاق و رفتار، رابطه مخفیانه، وضعیت اندام‌ها، اعداد، اعضای بدن، خوردنی و نوشیدنی، افراد، کنش، افیون، پوشاک و اماکن دسته‌بندی شدند. مبنای این دسته‌بندی ماهیت و مفهوم واژه‌هاست. پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات، داده‌های واژگانی برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش کدگذاری عددی، و به صورت دستی شمارش شدند. برای آزمون فرضیه این پژوهش از آزمون ناپارامتریک خی<sup>۲</sup> استفاده شده است. هدف این آزمون در این پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که آیا فراوانی صفت جنسیت در جامعه مورد مطالعه طبق انتظار است یا خیر. به عبارت دیگر، آیا بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار اختلافی معنی‌دار وجود دارد یا خیر. برای پاسخگویی به این پرسش از روش و تحلیل استنباطی داده‌ها بهره گرفته شده است.

آن‌ها ایجاد می‌کند که نیازمند بررسی‌های علمی است. بدین لحاظ، آن‌ها با بهره‌گیری از مطالعه اسنادی، علل، عوامل و چگونگی نفوذ و گسترش زبان مخفی در بین جوانان و تأثیر جنسیت در این خصوص و نحوه ورود آن به خرده‌فرهنگ دختران جوان را بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که جوانان و از جمله دختران برای پنهان نگه‌داشتن افکار و عقاید خود و همچنین، به دلیل قبح استفاده صریح از برخی لغات در چهارچوب هنجارها، آداب و رسوم و فضای جامعه، به‌سوی استفاده از زبان مخفی گرایش پیدا کرده‌اند. بررسی روند گسترش زبان مخفی در بین دختران جوان مقوله‌ای حائز اهمیت است که درک صحیح آن باعث می‌شود دختران، بزرگسالان و مسئولان امر با حوزه‌های پنهان اندیشه‌ای و مفهومی ایشان بیشتر و بهتر آشنا شوند.

در مورد علت تفاوت اصلی میان رفتار زبانی مردان و زنان نظریات گوناگونی داده شده است. عده‌ای معتقدند برخورد و آمیزش زبانی به علت برخوردهای نظامی، فرهنگی و غیره عامل این تفاوت است و اگر گروهی بیش از دیگری در معرض تماس‌های زبانی قرار گیرد بیشتر از نتایج چنین برخوردهایی متأثر است (هولمز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶: ۳۰۵-۲۰۹). گروهی دیگر موقعیت و نقش‌های اجتماعی متفاوت مردان و زنان را علت اصلی تفاوت‌های زبانی می‌پندارند. به اعتقاد لیکاف تفاوت زبانی میان مردان و زنان یکی از نتایج نابرابری‌های اجتماعی میان اعضای دو گروه است. به گفته وی حتی در جامعه‌های پیشرفته امروزی، زنان، به‌طور نسبی، پایگاه اجتماعی کم‌ثبات‌تر و نقش‌های اجتماعی محدودتری نسبت به مردان دارند که این بی‌ثباتی و تزلزل اجتماعی بر رفتار زبانی آن‌ها تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای گذاشته است (لیکاف<sup>۲</sup>، ۱۹۷۵: ۶۹-۵۴).

به اعتقاد زبان‌شناسان اجتماعی، از آنجاکه در بیشتر جوامع، انتظار رفتار مطابق با عرف از زنان در مقایسه با مردان وجود دارد، رفتار زبانی آن‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است. حساسیت بیشتر زنان به رفتارهای زبانی آن‌ها را پیشرو تغییرات زبانی در جهت گسترش کاربرد ویژگی‌های معتبر کرده است؛ زیرا زنان گونه‌های معتبر زبانی را به کار می‌برند و باتوجه به نقشی مهم که در آموزش زبان به فرزندان دارند این ویژگی‌ها با سهولت و سرعتی بیشتر به نسل آینده منتقل می‌شود (لبا، ۱۹۷۲: ۲۵-۳۰).



تعداد مصاحبه‌شوندگان را داشته است.

جدول ۲. وضعیت مصاحبه‌شوندگان به تفکیک سن

طیف سنی	فراوانی	درصد فراوانی
۱۵-۲۰	۲۴	۴۰٪
۲۰-۲۵	۱۹	۳۱٪
۲۵-۳۰	۱۷	۲۸٪
مجموع	۶۰	۱۰۰٪

جدول ۲ وضعیت مصاحبه‌شوندگان را به تفکیک گروه‌های سنی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ۴۰ درصد مصاحبه‌شوندگان را طیف سنی ۱۵ تا ۲۰ سال تشکیل می‌دهد و گروه‌های سنی ۲۰ تا ۲۵ سال و ۲۵ تا ۳۰ سال به ترتیب، ۳۱/۶ درصد و ۲۸/۴ درصد مصاحبه‌شوندگان را تشکیل داده‌اند.

### کدام جنسیت بیشترین واژه‌های زبان مخفی را در بین مصاحبه‌شونده‌ها بیان کرده‌اند؟

در این مقاله، برای آزمودن فرضیه نخست این پژوهش مبنی بر مردان بیشترین واژه‌های زبان مخفی را در بین مصاحبه‌شونده‌ها بیان می‌کنند، از تحلیل استنباطی و روش ناپارامتریک  $\chi^2$  استفاده شده است؛ زیرا متغیر مستقل زنان و مردان باید براساس متغیر زبان مخفی بررسی شوند.

جدول ۳. آزمون  $\chi^2$  برای مقایسه فراوانی واژگان زبان مخفی در هر جنسیت

حوزه	Fo m	Fe m	Fo f	Fer	مجموع سطرها	$(FemFom)2 \div Fem$	$(Fer-For)2 \div Fer$
ابزار و اشیا	۸۵۲	۸۶۴/۱۲	۵۵۱	۵۳۸/۸۷	۱۴۰۳	۰/۱۶	۰/۲۷
اتومبیل	۲۶۸	۲۵۶/۸۳	۱۴۹	۱۶۰/۱۶	۴۱۷	۰/۴۸	۰/۷۷
احوال	۴۳۷۲	۴۱۶۴/۱۶	۲۳۸۹	۲۵۹۶/۸۳	۶۷۶۱	۱۰/۳۷	۱۶/۶۳
اخلاق و رفتار	۱۶۴۷	۱۶۲۶/۰۰۳	۹۹۳	۱۰۱۳/۹۹	۲۶۴۰	۰/۲۷	۰/۴۳
رابطه مخفیانه	۹۰۴	۸۹۵/۵۳	۵۵۰	۵۵۸/۴۶	۱۴۵۴	۰/۰۸	۰/۱۲
وضعیت اندام‌ها	۲۴۱۴	۲۴۶۷/۹۵	۱۵۹۳	۱۵۳۹/۰۴	۴۰۰۷	۱/۱۷	۱/۸۹
اعداد	۶۲۶	۶۵۰/۴۰	۴۳۰	۴۰۵/۵۹	۱۰۵۶	۰/۹۱	۱/۴۶
اعضای بدن	۲۸۴	۲۹۰/۷۰	۱۸۸	۱۸۱/۲۹	۴۷۲	۰/۱۵	۰/۲۴
خوردنی و نوشیدنی	۲۷۹	۲۷۱/۶۱	۱۶۲	۱۶۹/۳۸	۴۴۱	۰/۲۰	۰/۳۲
افراد	۵۸۵۰	۵۸۵۱/۱۴	۳۶۵۰	۳۶۴۸/۸۵	۹۵۰۰	۲/۲۲	۳/۶۲
کنش	۴۹۲۷	۵۱۴۵/۳۱	۳۴۲۷	۳۲۰۸/۶۸	۸۳۵۴	۹/۲۶	۱۴/۸۵
افیون	۵۳۰	۴۸۹/۰۳	۲۶۴	۳۰۴/۹۶	۷۹۴	۳/۴۳	۰/۱۳
پوشاک	۱۲۸	۱۳۵/۵۰	۹۲	۸۴/۴۹	۲۲۰	۰/۴۱	۰/۶۶
اماکن	۲۶۲	۲۳۴/۶۶	۱۱۹	۱۴۶/۳۳	۳۸۱	۳/۱۸	۵/۱۰
مجموع	۲۳۳۴۳	۲۳۳۴۲/۹۴۳	۱۴۵۵۷	۱۴۵۵۶/۹۲	۳۷۹۰۰	۳۲/۲۹	۴۶/۴۹

## تحلیل یافته‌های پژوهش

در این بخش پاسخگویان تحلیل می‌شوند و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اطلاعات جمع‌آوری شده از مصاحبه تبیین می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد نمونه آماری از طیف‌های متنوعی در جامعه آماری انتخاب شده است و شرط پراکندگی را رعایت کرده است. در زیر در قالب جدول‌ها ویژگی‌های نمونه انتخاب شده از منظر جمعیت‌شناختی بررسی می‌شود.

### جنسیت

یکی از مهم‌ترین متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت است. در جدول ۱، وضعیت مصاحبه‌شوندگان به تفکیک جنسیت ترسیم شده است.

جدول ۱. وضعیت مصاحبه‌شوندگان به تفکیک جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مردان	۳۵	۵۸٪
زنان	۲۵	۴۲٪
مجموع	۶۰	۱۰۰٪

بنابراین، باتوجه به جدول ۱، در جامعه آماری این پژوهش ۴۲ درصد مصاحبه‌شوندگان زنان و ۵۸ درصد آن‌ها مردان بوده‌اند.

### سن

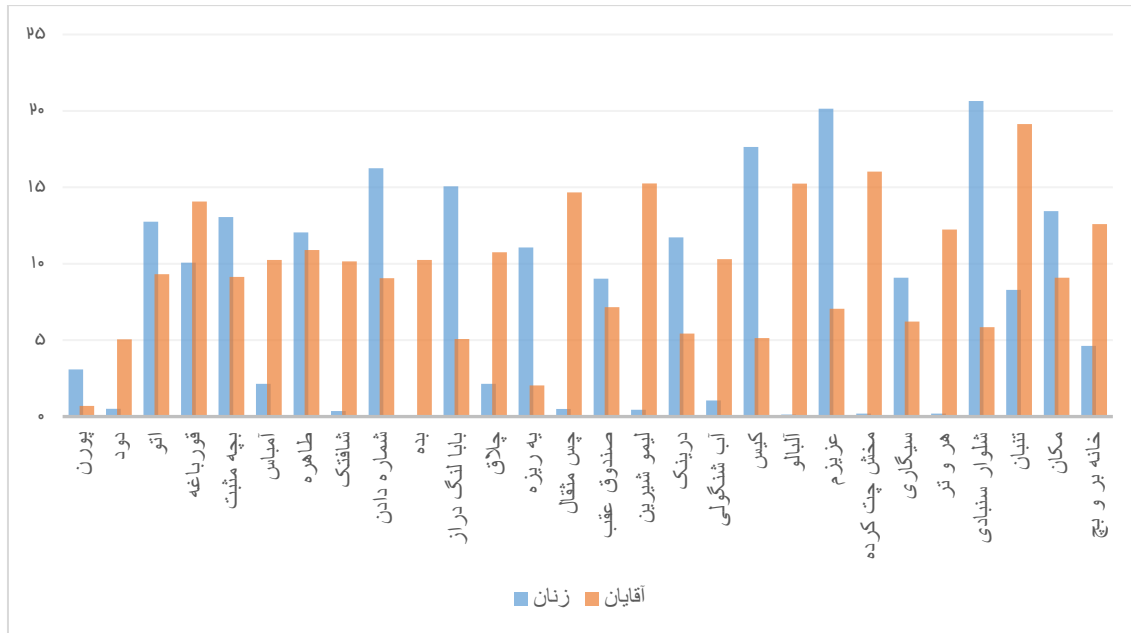
در جامعه آماری پژوهش طیف سنی ۱۵-۲۰ سال بیشترین

### داده‌های استخراجی مصاحبه‌ها دارد؟

پرسش دوم و سوم این مقاله در جست‌وجو، واکاوی و پاسخگویی به پرسش بسامد واژگانی در هر جنسیت در هر حوزه معنایی از داده‌های استخراجی از مصاحبه‌هاست. برای پاسخ به این پرسش‌ها بیشترین و کمترین فراوانی واژه‌ها در هر حوزه و مفهوم به تفکیک جنسیت در جدول ۴ نشان داده شده است.

باتوجه به جدول ۳، خی ۲ در این آزمون ۷۸/۷۸ و درجه آزادی ۱۳ است؛ بنابراین در سطح ۰/۰۵ مربع خی ۲ بیشتر از مربع خی کریتیکیال با ارزش ۲۳/۳۶ در این آزمون است و نتیجه می‌گیریم تفاوت معناداری بین دو جامعه زنان و مردان از لحاظ بیان واژگان زبان مخفی در این پژوهش وجود ندارد.

**کدام واژه/ واژه‌ها در هر جنسیت بیشترین و کمترین بسامد واژگانی را در هر حوزه معنایی از**



نمودار ۱. بسامد واژگانی در هر حوزه معنایی به تفکیک جنسیت

اینکه، در نگاه نخست، ناآشناست ولی گویشوران مفهوم این واژه را با قیاس به مصداق این واژه در جهان خارج می‌توانند حدس بزنند؛ درحالی‌که معنی واژه‌ای نظیر «گلابی» کاملاً تیره و ناآشناست؛ همچنین، بسامد کاربرد واژه‌هایی مانند «آیفون»، «چسب»، «ماهواره»، «آنتن»، «بی‌سیم»، «رادار» و «کلید» که با همین فرایند ساخته شده است در بین زنان و مردان تقریباً یکسان است؛ ولی واژه‌های «شتر»، «هندونه»، «گون» و «چلغوز» در مفهوم گیج و کودن و نفهم را مردان بیشتر به کار برده‌اند. با وجود اینکه، زنان بیشتر واژه‌های مرکب شفاف مانند «های کلاس»، «قاطی مرغ‌ها رفتن»، «سیو کردن»، «کوفت کردن» و «بایگانی کردن» را بیان کرده‌اند؛ در مقابل، مردان بیشتر از واژه‌هایی با فرایند واژه‌سازی ترکیب دو یا چند واژه بسیط «پژو حسرتی»، «آپل عقب‌افتاده»، «خز و خیل»، «صفاسیتی»، «سرگیجه الاغی»، «شیرین عسل»، «آب شنگولی»، «فیلم سفید»، «آس میخ»

بررسی ابعاد کیفی تفاوت‌های واژگانی زبان مخفی در جامعه مورد مطالعه و حوزه‌های مهم تفاوت زبانی بین دو جنس نشان می‌دهد که گرایش مردان به بیان واژه‌های تیره بیش از زنان است. یکی از ویژگی‌های زبان مخفی مدرج و تابع طیف بودن واژه‌ها در این زبان است. به عبارت دیگر، برخی واژه‌ها شفاف و برخی تیره و کاملاً ناشناخته‌اند. میزان تیرگی و شفافیت وابسته به شیوه‌های واژه‌سازی و میزان رواج این واژه‌ها دارد (سمائی، ۲۰۰۳: ۸). برای نمونه، واژه «خفن» در حوزه ابزار و اشیاء، و به معنی «خاص و مهم» است که وارد زبان عامیانه فارسی‌زبانان شده است و در جامعه مورد مطالعه دو گروه جنسیتی آن را تقریباً به یک میزان به کار برده‌اند. از سویی دیگر، زنان واژه «کوآلا» در حوزه خلق‌وخو و در مفهوم تنبل را بیشتر به کار برده‌اند و مردان برای این مفهوم واژه «گلابی» را بیشتر استفاده کرده‌اند. معنی واژه «کوآلا» که با فرایند گسترش معنایی ساخته شده با وجود

صحبت کردن و در حوزه کنش است که این واژه‌ها را زنان کمتر به کار می‌برند؛ زیرا زنان در زمینه‌های چال (مکانیکی یا تعویض روغنی) و موتور تجربه کمتری دارند و به همین دلیل، مشاهده می‌شود زنان برخی از اصطلاحات دیگر مانند «بزک دوزک»، «چیتان پیتان»، «ساتی ماتال» و «چسان فسان» در مفهوم آراستن و در حوزه کنش را بیشتر به کار می‌برند. تابو نیز بخشی از تفاوت‌های زبانی و عامل جداسازی واژگانی برحسب جنسیت است. نتایج تحلیل واژه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد؛ دشواژه‌هایی نظیر «سوسک توله»، «توله‌سگ»، «آن آقا»، «آن اخلاق»، «چس مثقال»، «تاپال»، «گوزمخ» و «یابو» را مردان بیشتر از زنان به کار برده‌اند. این تحلیل، بیانگر حساسیت زبانی بیشتر زنان نسبت به مردان و محافظه‌کاری کمتر مردان در کاربرد صورت‌های تابو است.

### بحث و نتیجه‌گیری

صورت‌های زبانی عامیانه یک نسل می‌تواند به واژه‌های معیار در نسل بعدی تبدیل شوند و وارد زبان معاصر شوند و همه افراد جامعه زبانی آن را به کار ببرند و درک کنند. به‌رغم اینکه، واژه‌ها و عبارات به کاررفته در زبان مخفی را گروه‌های خاصی از جامعه زبانی به کار می‌برند، استفاده از این واژه‌ها تنها محدود به این گروه‌ها نمی‌شود و با استعمال و رواج این واژه‌ها، معنی واژه‌های این گونه اجتماعی زبان شناخته و شفاف می‌شود و گاه وارد زبان بزرگسالان و حتی رسانه‌ها می‌شود.

با افزایش ساخت و کاربرد این واژه‌ها و عبارات، تحولات و تغییراتی در زبان فارسی معیار ایجاد می‌شود؛ بنابراین، بررسی علمی و دقیق این گونه زبانی، جایگاه اجتماعی، واژگان و ویژگی‌های کاربردشناسی آن در تحولات زبان فارسی، به‌ویژه کاربرد واژه‌ها، اهمیتی بسزا دارد.

از آنجاکه جامعه ایران از نظر جمعیتی، جامعه‌ای جوان است و جوانان این گویش اجتماعی را برای پنهان نگاه‌داشتن اندیشه و پیام‌های درون‌گروهی به کار می‌برند شناسایی و دستیابی به لایه‌های پنهان اصطلاحات و واژگان این زبان برای والدین و مسئولانی که با جوانان سروکار دارند برای تحقق برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های مناسب لازم و ضروری است.

نتایج این تحقیق، همچنین، می‌تواند برای فارسی‌آموزان خارجی، نویسندگان و مترجمان سودمند باشد؛ و سندی از

و «دله داف» یا مرکب‌های فعلی یا ثانویه «زیپشو کشیده»، «مال نیس»، «فکش به زمین خورد»، «آمپر چسبونده»، «شیرین می‌زنه»، «سیم بکسل دادن»، «گاف دادن»، «مفت بار کرده» و «هناق کردن» را استفاده کرده‌اند که اغلب این واژه‌های مرکب ترکیب ناپذیر و تیره‌اند. علاوه بر این، ویژگی‌های واژه‌سازی و صرفی داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان از فرایند واژه‌سازی وام‌گیری استفاده می‌کنند. وام‌واژه‌های «اوپن»، «آن تایم»، «درینک»، «کیس»، «پورن»، «های»، «لوکس»، «لاکچری»، «فانتاستیک»، «پرفکت» و «سابلنت» نمونه‌هایی از واژه‌های وام‌گیری شده از انگلیسی است که زنان با بسامد بالاتری آن‌ها را به کار برده‌اند. فرایند واژه‌سازی دیگری که مردان بیشتر از زنان در ساختن واژه‌های زبان مخفی در جامعه مورد مطالعه به کار برده‌اند سرواژه‌سازی است. برای نمونه، واژه‌های تیره «سی جی (Cigarette)» و «ال اس دی (اسید لایزرژیک دی اتیل آمید)» با فرایند سرواژه‌سازی ساخته شده است که در بین مردان بیشتر کاربرد دارد. علاوه بر این، زنان برخی از واژه‌ها را مختص مردان می‌دانند و از به‌کارگرفتن آن‌ها پرهیز می‌کنند. برای نمونه، عبارت‌های «چاکرم»، «نوکر تیم»، «اجمال تیم»، «داداش»، «برادر»، «استاد» و «یارو» در حوزه کنش و در مفهوم خطاب کردن را مردان و در مقابل، زنان عبارت‌های «عزیزم»، «جانم»، «نفسم» و «جیگر» را برای این مفهوم بیشتر به کار برده‌اند. همچنین، واژه‌هایی نظیر «آپی چی زن»، «رکب زدن»، «برو جلو بوق بزن»، «توی کاسه کسی گذاشتن»، «به تیپ و تار هم زدن»، «فکتو می‌آرم تو معدت»، «فکتو می‌آرم پایین»، «مخمو چت کرد»، «کلاهشون توی هم رفته» و «مخشو گذاشته تو فرقون» را مردان بیشتر از زنان به کار برده‌اند که نشان‌دهنده مسائل جداسازی رفتار زبانی و تأکید قدرت و توان مردانه و کاربرد این گونه واژه‌ها در بین مردان است در مقابل، واژه‌های «جمیله»، «بابا لنگ‌دراز»، «خاله‌ریزه»، «پینوکیو»، «عروسک» و «دُخمل» در بین زنان بیشتر به کار برده شده است که گرایش آن‌ها به عاطفی صحبت کردن را نشان می‌دهد. افزون بر این، در جامعه معاصر با وجود برعهده‌گرفتن نقش‌های اجتماعی مشابه، به نظر می‌رسد هنوز در برخی زمینه‌ها مردان نسبت به زنان نقشی فعال‌تر دارند و همین امر عامل پیدایش تفاوت‌های زبانی میان این دو گروه شده است. برای نمونه، در حوزه کنش عبارات «مخ یارو رو برد رو چال» یا «به موتور کسی زدن» در مفهوم زیاد

به رفتار زبانی خود، بیش از مردان حساسیت دارند و این حساسیت عاملی برای گسترش ویژگی‌های معتبر است. درحالی که مردان در استفاده از صورت‌های غیرمعتبر کمتر محافظه‌کارند (مدرسی، ۱۳۹۰؛ لیکاف، ۱۹۷۵). با وجود این، با توجه به جدول ۳ و آزمون استنباطی خی ۲ این نتیجه حاصل شد که میان دو متغیر جنسیت و استفاده از واژگان زبان مخفی در جامعه آماری این پژوهش تفاوت معناداری وجود ندارد، ولی نتایج بررسی در بسامد واژگانی دو گروه نشان می‌دهد که گرایش زنان در بیان دشواژه‌ها و واژه‌های تابو، واژه‌های تیره، واژه‌هایی مرتبط به موقعیت و نقش‌های اجتماعی مردان و واژه‌های وابسته به تسلط و قدرت در گویش اجتماعی زبان مخفی کمتر از مردان است. این نتیجه با نتیجه پژوهش‌های سپرسن، ۱۹۹۲؛ پورجهان، ۱۳۷۸؛ فارسیان، ۱۳۸۷ و شکیبا، ۱۳۸۲ همخوانی دارد. به طوری که ملاحظه کردیم علت پیدایش زبان جنسیتی و الگوهای متفاوت زبانی تلقی‌های اجتماعی و سپردن نقش‌ها و انتظارات اجتماعی گوناگون از سوی جامعه است. جامعه فارسی‌زبان نیز کاربرد اصطلاحات وابسته به یک جنس را از سوی جنس مخالف رفتاری غیرعادی می‌داند و این واقعیتی است که فارسی‌زبانان به آن آگاهی دارند؛ ولی به نظر می‌رسد این نگرش در فاصله نسل‌ها در حال تغییر است؛ بنابراین، با تغییر در وضعیت اجتماعی زنان و حضور آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی، زنان اعتمادبه‌نفس و شجاعت بیشتری برای بیان واژه‌های زبان مخفی یافته‌اند. این نتیجه با پژوهش‌های ووداک (۱۹۷۷)؛ شیخی (۱۳۸۷) و نوشین‌فر (۱۳۷۴) همسویی دارد. علاوه بر این، برخی واژه‌ها با پیرنگ زنانه همچون واژه‌های «جمیله»، «بابا لنگ‌دراز»، «خاله‌ریزه»، «پینوکیو»، «عروسک» و «دُخمل» در بین زنان بیشتر به کار برده شده است که گرایش آن‌ها به عاطفی صحبت کردن را نشان می‌دهد این نتیجه با نتیجه پژوهش شاه‌ناصری (۱۳۹۴) همخوانی دارد. همچنین، عامل سن که مهم‌تر از عامل جنسیت در کاربرد این گونه واژه‌هاست در این پژوهش تأکید دارد که بیشترین واژگان را گروه‌های سنی پایین‌تر بیان کرده‌اند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های ایسیکووتیز (۱۹۸۷) و شاه‌ناصری (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

امینیان، مظهره (۱۳۸۴). فرهنگ نوین زبان مخفی، زیرنظر پورخالقی چترودی. مشهد: آوای رعنا.  
باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴). مسائل زبان‌شناسی نوین (ده مقاله). تهران: آگاه.

مقطعی از تاریخ زبان فارسی است که می‌تواند بعدها در بررسی صور قدیم‌تر زبان مؤثر باشد. علاوه بر این، بررسی این گونه اجتماعی زبان می‌تواند مرجعی برای بررسی جامعه و مدرکی ارزشمند برای جامعه‌شناسان زبان باشد (سمائی، ۱۳۸۲: ۱۱). به اعتقاد سمائی واژگان زبان مخفی از حیث شایستگی کاربرد در اجتماع درجاتی دارند. به عبارت دیگر، با وجود تابو بودن الفاظ و واژه‌های این زبان، میزان تابو بودن آن‌ها متفاوت است. از طرف دیگر، برخی از این الفاظ در جامعه رایج‌اند و به دلیل کثرت استعمال از زبان مخفی پا فراتر می‌نهد و وارد زبان روزمره می‌شوند برخی دیگر از واژه‌ها طنزآمیزند این گروه از واژه‌ها نیز به زبان عامیانه راه پیدا می‌کنند (سمائی، ۱۳۸۴: ۳۵۵-۳۵۷). به نظر نگارندگان، در عصر مطبوعات و رسانه‌های گروهی و ارتباطات، جوامع کنونی عرصه تاخت‌وتاز وسایل ارتباط جمعی همچون، رادیو، تلویزیون، ماهواره، تلفن‌های همراه هوشمند، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است و جوانان محدودیت‌های گذشته را ندارند و هر لحظه می‌توانند در مکانی باشند و با هر فردی در آن مکان ارتباط برقرار کنند. زندگی مجازی و رسانه‌های امروزی که به سهولت در دسترس جوانان است هنجارها و سبک‌های اجتماعی را دگرگون کرده است. پیامد این دگرگونی نه تنها در نحوه پوشش، ارتباطات روزمره و خلیات آن‌ها تأثیرگذار بوده، بلکه فرض بر این است که تسهیل و توسعه ارتباطات برون جنسیتی با ورود فناوری در این عصر بر روی سبک زبانی بین دو گروه جنسیتی نیز تأثیرگذار بوده است. به‌هرحال، داده‌های این پژوهش که با روش میدانی و با استفاده از روش مصاحبه گردآوری شده در پی آن بوده است که پس از شناسایی و گردآوری بخشی از واژگان و اصطلاحات زبان مخفی در بین جوانان، رابطه متغیر جنسیت را با این گونه اجتماعی ترسیم کند.

نتایج حاصل از یافته‌ها نشان می‌دهد که طبق جدول‌های ۱ و ۲ اغلب پاسخگویان به مصاحبه‌ها مردان با گروه سنی ۲۰-۱۵ سال بوده‌اند. به نظر می‌رسد جنسیت نقشی مهم در فراوانی واژه‌ها در این پژوهش داشته باشد. به عبارت دیگر، زنان نسبت به مردان کمتر از واژگان زبان مخفی استفاده کنند؛ زیرا نظریه‌های گذشته بر این نکته تأکید دارد که زنان

## منابع

اعضادی، شیدا و علمدار، فاطمه (۱۳۸۷). تحلیل جامعه‌شناختی زبان مخفی در بین دختران. *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)* ۴۱: ۶۵-۶۹.

شیخی، محمد (۱۳۸۷). *تفاوت‌های گونه‌عامیانه میان جنس مذکر و مؤنث در فارسی تهرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه پیام نور تهران. دانشکده علوم انسانی.

عباسی، فتح‌الله و صیادی، احمدرضا (۱۳۹۴). *زبان مخفی جلوه‌گاه ذوق و طینت ایرانی*. رشد ۱: ۳۴-۹۵.

فارسینان، محمدرضا (۱۳۷۸). *جنسیت در واژه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تهران.

کالوه، لویی ژان (۱۳۷۸). *زبان مخفی چیست*. ترجمه شهرروز پزشکی؛ ویراستار: مهدی سمائی. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.

کیقبادی امیری، کیانوش (۱۳۸۵). *بررسی واژه‌ها و عبارات زبان مخفی جوانان (نگاهی صرفی - معنی‌شناختی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. دانشکده زبان‌های خارجی.

مدرسی، یحیی. (۱۳۹۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ناتل‌خانلری، پرویز (۱۳۷۷). *تاریخ زبان فارسی*. تهران فردوس.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۶). *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*. تهران: نیلوفر.

نجم عراقی، منیژه مرسته صالح‌پور، نسترن موسوی و مهرناز صمیمی. (۱۳۷۶). *سلسله پژوهش‌های نظری درباره مسائل زنان، دفتر اول: زن و سینما*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

نوشین‌فر، ویدا (۱۳۷۴). *زبان، جنسیت و اجتماع*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه فردوسی مشهد.

ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی (درآمدی بر زبان و جامعه)*. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: نشر آگه. پاک‌نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۸). *زن در زبان فارسی*. پژوهش *زبان* ۱: ۷۷-۱۰۵.

پورجهان، پریسا (۱۳۷۸). *گونه‌عامیانه زبان فارسی و تفاوت‌های کلامی زنان و مردان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

داوری اردکانی، نگار و عطار، عطیه (۱۳۷۷). *کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت*. فصلنامه *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)* ۴۲: ۱۶۲-۱۸۱.

رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ایران‌نژاد نجف‌آبادی، مجید (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی زبان مخفی*. مجموعه مقالات هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (صص ۹۸۲-۹۹۰). تهران.

سمائی، مهدی (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات زبان مخفی (با مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی زبان)*. تهران: مرکز.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). *زبان مخفی و کاربرد آن در رسانه*. در *مجموعه مقالات هم‌اندیشی زبان و رسانه (صص ۳۴۷-۳۶۴)*. اداره کل تحقیق و توسعه رادیو. تهران: تحقیق و توسعه رادیو.

شاه‌ناصری، شادی (۱۳۹۴). *بررسی زبان گونه‌مخفی جوانان در روابط گروهی بر اساس رویکرد همسان‌سازی*. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی* ۱۰: ۱۴۷-۱۵۶.

شکبیا، نوشین (۱۳۸۲). *تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها توسط زنان و مردان تهرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

Chambers, J. (2009). *Sociolinguistic Theory*. United Kingdom: Willey Blackwell.

Coate, J. (1986). *Women, Men and Language: A sociolinguistic account of gender differences in language*. New York: Longman.

Crystal, D. (1992). *A dictionary of Linguistics and Phonetics*. Oxford: Blackwell.

Eckert, P., & Mcconnel-Ginet, S. (2003). *Language and Gender*. Cambridge: Cambridge University.

Eisikovits, E. (1987). *Girl-talk/boy-talk: sex differences in Adolescent Speech*. In Grimshaw Allan (Ed). *Conflict Talk* (pp: 711-714). Cambridge University.

Goodwin Marjori, H. (2011). *Directive response speech sequences in girl's and boy's task activities*. *Women and Language in literature and Society*, 13, 175-184.

Guiraud, P. (1966). *L'Argot*. France: Presses Universitaires De France.

Holmes, J. (1986). *Function of you know in womaen's and men's speech*. *language*

- in Society*, 15, 290-305.
- Jespersen, O. (1992). *Language: It's Nature, Development and Origine*. London: Alley.
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistics*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Lakoff, P. G. (1975). *Language and women's place*. New York: Happer and Row.
- Trask, R. L. (1999). *Key concepts in language and Linguistics*. New York: Routledge.
- Wardhaugh, R. (2006). *An Introduction to sociolinguistics*. Oxford: Blackwell.
- Wareing, L. T., & Wareing, S. (2001). *Language, Society and Power: An Introduction*. London & New York: Routledge.
- Wodack, R. (1977). *Gender and Discourse*. United Kingdom: University of Lancaster.